

عنوان مقاله:

اختلالات جنسی و آسیب رساندن بر طلاق زوجین

محل انتشار:

سومین کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی، علوم اجتماعی و علوم انسانی (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسنده:

کیمیا احمدی پور - دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری

خلاصه مقاله:

در گذشته، هر گونه ارتباط بین عشق و ازدواج امری بدون معنا و غیرمعمول بود. پدر و مادر، دختری را بر مبنای مبنای و ملاکهای کاملاً عینی و مشهود چون ثروت و دارایی و تمول و نظایر آن انتخاب می نمودند. هر طبقه اجتماعی ملاکهای فرعی خاص خود را نیز در نظر می گرفتند، مثلاً نجبا و اشراف زادگان؛ اصالت و اشراف زادگی، کشاورزان؛ تنومندی و نیروی کار در مزرعه را مهم تلقی می نمودند. دخترهای جوان، درباره ی مردی که قرار بود شوهر آنها گردد، تقریباً هیچ اطلاعی نداشتند. در جوامع سنتی و متعصب، عروس و داماد تا لحظه ی زفاف، کمترین شناخت لازم را نیز یکدیگر نداشتند و گاه تا آن هنگام حتی یکدیگر را ندیده بودند. زنان در اثر تعلیم و تربیت خاص آن زمان، بیش تر از طریق بدنیا آوردن بچه های زیاد و انجام وظایف خانه داری و کدبانویی، امید به خوشبختی داشتند. عشق در روح و روان آنها، تنها رویا و گاه فقط یک شوخی بود. به علاوه، لذت جنسی و ارگاسم برای زن نجیب و محترم، امری شرم آور و گستاخ ناپا به بود. در قرون وسطی، انجام تکالیف ساده زناشویی را معادل عشق متین و موقری دانستند که تا جنگ جهانی ارزیابی هایی مورد قبول اکثر نخبگان و دانشمندان نیز بود، به گونه ای که جنین اظهار می شد که زن خود فرد نمی بایست محبوب عشق فرد دیگری باشد.

کلمات کلیدی:

همسر، زوج گزینی، ملاک های انتخاب

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1163037>

